

الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛
معجم رجال الحديث: الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)،
بیروت، ۱۴۰۹ق؛ المغانم المطابه: محمد
الفيروزآبادی (م. ۸۱۷ق.)، مرکز بحوث و
دراسات المدینه، ۱۴۲۳ق؛ الملل و النحل:
الشهرستاني (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش سید
کیلاتی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۵ق؛ مناقب
آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به
کوشش گروهی از استادان، نجف، المكتبة
الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ منتهی المطلب: العلامة
الحلی (م. ۷۲۶ق.)، چاپ سنگی؛ نشأة الشيعة
الاماميه: نبيلة عبدالمعظم داود، بیروت، دار
المورخ العربي، ۱۴۱۵ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی
(م. ۹۱۱ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید،
بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.

حامد قرائتی



اسماعیلیه: از فرقه های شیعه، معتقد به

امامت اسماعیل فرزند امام صادق (ع)،

تأثیرگذار در تاریخ حج

فرقه اسماعیلیه در میانه سده دوم پدیدار
گشت. این فرقه به امامت اسماعیل، فرزند امام
صادق (ع) و استمرار آن از طریق پسرش،
محمد بن اسماعیل، باور دارد. در گذشت
زمان، این فرقه به چند شاخه تقسیم شده است.
تعطیل احکام شریعت و تأویل آن از جمله
مناسک حج، کشتار حاجیان، و بردن
حجرالاسود به مرکز حکومت خویش در

(م. ۱۳۲۰ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق؛
رجال الطوسی: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش
قیومی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق؛ رجال
النجاشی: النجاشی (م. ۴۵۰ق.)، به کوشش
شیری زنجانی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق؛ سر
السلسلة العلویه: ابی نصر البخاری (م. قرن ۴ق.)،
قم، الرضی، ۱۴۱۳ق؛ شرح الاخبار فی فضائل
الائمة الاطهار (ع): النعمان المغربي (م. ۳۶۳ق.)،
به کوشش جلالی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق؛
عمدة الاخبار فی مدینة المختار: احمد بن
عبدالحمید العباسی (قرن ۱۱ق.)، مدینه،
المکتبة العلمیه؛ عمدة الطالب: ابن عنبه
(م. ۸۲۸ق.)، به کوشش محمد حسن، نجف،
المکتبة الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ غالیان: نعمت الله
صفری فروشانی، مشهد، آستان قدس رضوی،
۱۳۷۸ش؛ الفصول العشره: المفید (م. ۴۱۳ق.)،
بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ الکافی: الكلینی
(م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار
الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کامل الزیارات: ابن
قولویه القمی (م. ۳۶۸ق.)، به کوشش القیومی،
قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق؛ کمال الدین: الصدوق
(م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر
اسلامی، ۱۴۰۵ق؛ اللباب فی تهذیب الانساب:
ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش احسان عباس،
بیروت، دار صادر؛ المجدی فی انساب الطالبیین:
علی بن محمد العلوی (م. ۷۰۹ق.)، به کوشش
المهدوی، قم، مکتبة النجفی، ۱۴۰۹ق؛
المحاسن: ابن خالد البرقی (م. ۲۷۴ق.)، به
کوشش حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه،
۱۳۲۶ش؛ المدینة المنورة فی رحلة العیاشی:
العیاشی، به کوشش محمد محزون، کویت، دار
الارقم، ۱۴۰۶ق؛ مسائل علی بن جعفر: کنگره
جهانی امام رضا (ع)، مشهد، ۱۴۰۹ق؛ المعتمر:
المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق.)، مؤسسه سید
الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ معجم البلدان: یاقوت

تاریخ آن‌ها ثبت شده است.^۱ نهضت اسماعیلیه تقریباً در نیمه سده سوم ق. به صورت جنبشی سیاسی - دینی و حرکتی انقلابی در برابر خلافت عباسی نمایان شد. خود اسماعیلیان، این جنبش را «دعوت» یا «الدعوة الهادیه» می‌نامیدند. این دعوت به دست داعیان (مبلغان) بسیار در سرزمین‌های گوناگون از آسیای مرکزی تا شمال افریقا، به ویژه در جنوب عراق، فارس، جبال (بسیاری از سرزمین‌های غربی - مرکزی و شمال غربی ایران مانند ری، قم، کاشان و همدان)، خراسان و ماوراءالنهر و نیز در شرق عربستان (بحرین)، یمن و سرانجام در شمال افریقا گسترش یافت.^۲ آنان دو بار در دوره‌های خلافت فاطمیان و نزاریان، حکومت مستقل تشکیل دادند و از شرق و غرب، خلافت عباسیان را به گونه جدی تهدید کردند. اما پس از سقوط دولت فاطمی و نزاری، هرگز نتوانستند قدرت پیشین خود را بازیابند و ناچار شدند به دور افتاده‌ترین کشورهای اسلامی، به ویژه یمن و شبه قاره هند، پناه برند.^۳

◀ پیشینه مطالعات درباره اسماعیلیه: تا

چندین دهه پیش از این، تاریخ و عقاید

اسماعیلیه بیشتر بر پایه منابع غیر اسماعیلی شناخته می‌شد. بیشتر این منابع را دشمنان آنان نوشته بودند. آن‌ها فرقه‌ای شیعی و انقلابی با اهداف دینی - سیاسی معطوف به براندازی خلافت عباسیان و برقراری خلافت امامان اسماعیلی بودند. از این رو، دشمنی اهل سنت و خلافت عباسی را برانگیختند و افسانه‌ها و اتهام‌های ناروا درباره آنان رواج یافت. آنان به منزله ملحدانی شناسانده شدند که از راه درست دین بیرون رفته‌اند. این گونه گزارش‌ها همواره در منابع مربوط به ملل و نحل تکرار شده‌اند. اروپاییان نیز در آغاز سده ششم م. هم‌زمان با نبردهای صلیبی، از طریق سپاهیان و نوشته‌های رخدادنگاران خویش، با اسماعیلیان آشنا شدند. این آشنایی بیشتر برگرفته از گزارش‌ها و شایعات اغراق‌آمیزی بود که درباره مأموریت‌های فدائیان اسماعیلیان نزاری برای از میان بردن دشمنان خویش رواج یافته بود. مطالعات خاورشناسان نیز به نوبه خود بر پایه منابع اهل سنت و نوشته‌های دوران نبرد صلیبی بود. بر همین اساس، بسیاری از نوشته‌ها و پژوهش‌ها حکایتگر حقایق و واقعیت‌های تاریخ و عقاید اسماعیلیه نبودند. تلاش‌های ولادیمیر ایوانف (۱۸۸۶-۱۹۷۰ م.) و شماری از دانشمندان اسماعیلی، تحولی بزرگ را در مطالعات مربوط به اسماعیلیه پدید آورد. آنان با دسترسی به منابع خطی اسماعیلی در

۱. الفصول المختاره، ص ۳۰۶-۳۱۱؛ اسماعیلیه، ص ۱۲-۱۴؛ الملل و النحل، سیحانی، ج ۸، ص ۳۲۸-۳۲۹.

۲. اسماعیلیه، ص ۱۳-۱۴.

۳. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳؛ اسماعیلیه، ص ۱۲-۱۴.

تاریخ ولادت و مرگ اسماعیل، شخصیت وی و فرزندش محمد، چگونگی شکل‌گیری اسماعیلیه و ریشه‌های فکری آن در دو سده نخست پیدایش این گروه، به رغم پژوهش‌های انجام گرفته، همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و داده‌های دقیق، هماهنگ و فراوان در این زمینه در دست نیست. ابو محمد اسماعیل بن جعفر علیه السلام ملقب به أعرج (معیوب از یک پا) فرزند بزرگ امام جعفر صادق علیه السلام بود.^۵ مادر وی فاطمه دختر حسین بن حسن بن علی علیه السلام است که امام صادق علیه السلام به احترام وی، در دوران زندگانی او همسری دیگر برنگزید.^۶ تاریخ دقیق ولادت اسماعیل مشخص نیست. با توجه به اختلاف ۲۵ ساله سن وی با امام کاظم علیه السلام (۱۲۸ - ۱۸۳ ق.)، تولد او را می‌توان حدود سال ۱۰۳ ق. دانست. تاریخ وفات او نیز مورد اتفاق نیست. برخی از هوادارانش هنگام درگذشت او را پس از شهادت امام صادق علیه السلام (م. ۱۴۸ ق.) دانسته و از زندگی او در بصره سخن گفته‌اند.^۷ اما بیشتر منابع و حتی برخی از منابع اسماعیلی، وفات او را پیش از پدر^۸ و به سال‌های ۱۳۳^۹ و

کتابخانه‌های شخصی در یمن، سوریه، پاکستان و هند، فهرستی از ۷۰۰ عنوان کتاب را منتشر کردند. این کار را بعدها افرادی دیگر کامل کردند و در نتیجه زمینه لازم برای شناخت درست از تاریخ و عقاید اسماعیلیه بر پایه منابع اصیل خود آنان فراهم و کتاب‌ها و پژوهش‌هایی ارزشمند نوشته شد.^۱

◀ **پیدایش اسماعیلیه:** زمینه‌های پیدایش فرقه اسماعیلیه به دوران امام صادق علیه السلام (م. ۱۴۸ ق.) بازمی‌گردد. این فرقه که نام خود را از اسماعیل، پسر بزرگ امام صادق علیه السلام، ششمین پیشوای شیعیان امامیه گرفته^۲، در گذر تاریخ به شاخه‌های گوناگون قسمت شد که با نام‌های گوناگون مانند باطنیه، تعلیمیه، حشیشیه، قرمطیان، مبارکیه، خطابیه، فاطمیان، ملاحده و سبیه از آن‌ها یاد شده است. برخی از این نام‌ها با توجه به شاخه‌ها و شماری دیگر با نظر به عقاید اسماعیلیه، برای آنان به کار رفته است.^۳ اسماعیلیه نام عمومی فرقه‌ها است که بیشتر به استمرار امامت از طریق اسماعیل و فرزند وی محمد اعتقاد دارند.^۴ (→ ادامه همین مقاله، فرقه‌های اسماعیلیه)

۱. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳-۸، ۲۴-۳۰.

۲. المقالات و الفرق، ص ۷۹؛ فرق الشیعه، ص ۶۸؛ الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳. نک: فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۷؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۴۰۷، ۴۲۵.

۴. نک: المقالات و الفرق، ص ۲۱۳-۲۱۷.

۵. سر السلسلة العلویه، ص ۳۴.

۶. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۰۹؛ الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۹۵-۱۹۶.

۷. الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۹۱.

۸. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۰۹.

۹. عمدة الطالب، ص ۲۲۳.

۱۳۸ق.^۱ یا کمی پیش از سال ۱۴۸ق.^۲ دانسته‌اند. درباره دوران زندگی او نیز گزارش‌های گوناگون در دست است. منابع اسماعیلیه از او به منزله امام و حتی مهدی^۳ و سرسلسله فرقه اسماعیلیه یاد کرده و گزارش‌های اسطوره‌ای و غلوآمیزی درباره او آورده‌اند. اما منابع امامیه با واقع‌گرایی بیشتر به ارائه گزارش‌هایی در باب او پرداخته‌اند. از این رو، افزون بر آن که اعتماد گروه‌های بی‌طرف را جلب کرده‌اند، زوایایی روشن‌تر از زندگی او به دست داده‌اند. گزارش‌های منابع امامیه نیز یکسان نیستند. برخی او را ستوده و به محبوب بودنش نزد امام صادق (ع)^۴ تأکید کرده‌اند و شماری دیگر بر ارتباط او با جریان‌های افراطی شیعی پای فشرده‌اند.^۵

جنازه اسماعیل در بقیع به خاک سپرده شد.^۶ برخی منابع محل دفن او را در جهت غرب آرامگاه عباس عموی پیامبر (ص) و میان آن و خانه امام سجّاد (ع) دانسته‌اند.^۷ در دوره خلافت فاطمیان اسماعیلی مذهب (۲۹۷-۵۶۷ق.) یکی از خلفای فاطمی آرامگاهی

شکوهمند بر قبر وی بنا کرد.^۸ (ع) اسماعیل بن جعفر)

◀ **فرقه‌های اسماعیلی:** پس از شهادت امام صادق (ع) به سال ۱۴۸ق. گروهی از شیعیان ایشان پنداشتند که امامت پس از وی به بزرگ‌ترین پسرش اسماعیل می‌رسد.^۹ با توجه به مرگ اسماعیل در دوران زندگانی پدرش، گویا خود وی نقشی در پیدایش این فرقه نداشته است. برخی با ادعای رابطه و همکاری نزدیک میان اسماعیل و ابوالخطاب، ازغالیان مشهور کوفه، بر این باورند که ابوالخطاب تلاش می‌کرده تا فرقه‌ای شیعی و انقلابی با امامت اسماعیل و نسل او پدید آورد و خود اسماعیل نیز با وی همکاری داشته است.^{۱۰} این ادعا را برخی محققان بی‌پشتوانه شمرده‌اند.^{۱۱}

شماری از پژوهشگران، ارشد بودن اسماعیل و تکریم وی از جانب امام صادق (ع) را زمینه‌ساز پیدایش تصور امامت او و شکل‌گیری فرقه اسماعیلیه دانسته‌اند. هنگامی که اسماعیل در گذشت، امام صادق (ع) شیعیان خود را بر مرگ پسرش شاهد گرفت و جنازه او را در حضور آنان و به صورت آشکار تشییع و دفن

۱. المجدی، ص ۱۰۰.

۲. اللباب، ج ۲، ص ۴۳۵.

۳. کمال الدین، ص ۱۰۲؛ الفصول العشره، ص ۱۰۹-۱۱۰.

۴. عمدة الطالب، ص ۲۳۳.

۵. رجال کشی، ج ۲، ص ۵۱۴، ۶۱۲.

۶. سر السلسله العلویه، ص ۳۴؛ المجدی، ص ۱۰۰.

۷. المجدی، ص ۱۰۰؛ المدینة المنوره، ص ۸۸.

۸. التعریف بما أنست الهجره، ص ۱۲۱.

۹. نک: المقالات و الفرق، ص ۷۹-۸۰؛ فرق الشیعه، ص ۶۸؛ الملل

و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۲۴۶.

۱۰. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۱۹؛ اسماعیلیه، ص ۱۲.

۱۱. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۶.

کرد.^۱ این گروه از شیعیان که هسته‌های نخستین اسماعیلیان را شکل می‌دادند، در پی اختلاف درباره مرگ اسماعیل، دو گروه شدند:

۱. **اسماعیلیان خالص:** گروهی باور یافتند که امام صادق (ع) اسماعیل را برای جانشینی و امامت پس از خود برگزید. آنان با انکار مرگ اسماعیل، در انتظار رجعت او به عنوان امام قائم و مهدی موعود باقی ماندند.^۲ آنان را اسماعیلیان خالص و نیز به این دلیل که اسماعیل را واپسین امام و مهدی موعود دانستند، اسماعیلیه واقفه خوانده‌اند.^۳ این گروه ادعا کردند که امام صادق (ع) تنها برای حفظ جان اسماعیل از دست عباسیان، مرگ او را اعلام کرده است.^۴ نویختی و اشعری این گروه را که به زودی از میان رفتند، با پیروان ابوالخطاب یکی دانسته‌اند.^۵

۲. **مبارکيه:** گروه دوم با پذیرش مرگ اسماعیل در دوران پدر، بر این باور شدند که

چون اسماعیل در دوران زندگانی پدرش به امامت رسیده بود، پس از مرگ وی، امام صادق (ع) بزرگ‌ترین فرزند اسماعیل، محمد، را به امامت نصب کرد. این گروه که «مبارکيه» شهرت یافتند، امامت حضرت موسی کاظم (ع) یا دیگر برادران اسماعیل را نپذیرفتند؛ زیرا از دیدگاه آنان، انتقال امامت از برادر به برادری دیگر فقط درباره امام حسن و امام حسین (ع) جایز بوده است.^۶ محمد بن اسماعیل (م. حدود ۱۷۹ق.) که اصلی‌ترین شخصیت در این گروه و همه فرقه‌های اسماعیلیه است، در پی شهادت امام صادق (ع) با هجرت از مدینه به عراق، به زندگی پنهانی روی آورد. این مهاجرت که سرآغاز «دوره ستر» در تاریخ اسماعیلیان نخستین است، تا هنگام پیدایش دولت فاطمیان در اواخر سده سوم ق. ادامه داشت. محمد بن اسماعیل با حفظ ارتباط خویش با مبارکيه که در کوفه مستقر بودند، به سرزمین‌های گوناگون از جمله جنوب عراق و خوزستان هجرت کرد و مبلغان خود را به سرزمین‌های مجاور می‌فرستاد.^۸ گزارش‌های متناقض دیگر نیز درباره مقصد مسافرت و سرانجام وی در

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۹؛ تاریخ الفرق الاسلامیه، ص ۱۸۳؛ آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۹۶.

۲. المقالات و الفرق، ص ۸۰؛ نک: فرق الشیعه، ص ۶۷-۶۸؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۱۴.

۳. المقالات و الفرق، ص ۸۰؛ الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۱۴.

۴. المقالات و الفرق، ص ۸۰؛ فرق الشیعه، ص ۵۷-۵۸، ۱۰۲، ۱۰۶؛ الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۵. الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۰.

۶. المقالات و الفرق، ص ۱۸؛ فرق الشیعه، ص ۶۹.

۷. المقالات و الفرق، ص ۸۰-۸۱؛ نک: فرق الشیعه، ص ۶۸-۶۹؛ الفصول المختاره، ص ۳۰۵-۳۰۶.

۸. الملل و النحل، سبحانی، ج ۸، ص ۸۶؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۲۲.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۹؛ تاریخ الفرق الاسلامیه، ص ۱۸۳؛ آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۹۶.

۲. المقالات و الفرق، ص ۸۰؛ نک: فرق الشیعه، ص ۶۷-۶۸؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۱۴.

۳. المقالات و الفرق، ص ۸۰؛ الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۱۴.

۴. المقالات و الفرق، ص ۸۰؛ فرق الشیعه، ص ۵۷-۵۸، ۱۰۲، ۱۰۶؛ الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۵. الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۰.

۶. المقالات و الفرق، ص ۱۸؛ فرق الشیعه، ص ۶۹.

دست است.^۱

پاره‌ای گزارش‌ها از پیوستن گروهی از خَطَّابیان (غالیان کوفه) به مبارکیه حکایت دارند.^۲ برخی شواهد، ارتباط این دو گروه را تأیید می‌کنند.^۳ وجود پاره‌ای از اندیشه‌های غلوآمیز در عقاید اسماعیلیان دوره‌های بعد، این سخن را تأیید می‌کند.^۴ این گروه نام خود را از فردی به نام مبارک، یکی از خادمان اسماعیل بن جعفر، گرفته است. بر پایه گزارش‌هایی، مبارک نقشی مهم در انتشار دعوت اسماعیلیه و حمایت از آن و دعوت به امامت محمد بن اسماعیل داشت.^۵ فرقه مبارکیه که در گذر تاریخ دچار تحولاتی شدند، تا امروز در سرزمین‌های اسلامی حضور دارند. این فرقه به دو شاخه قرمطیان و فاطمیان و در ادامه به شاخه‌های دیگر انشعاب یافتند. (→ ادامه همین مقاله، قرمطیان - نزار)

۳.۷. قرمطیان: در پی درگذشت محمد بن اسماعیل در دوران خلافت هارون الرشید، به احتمال میان ۱۸۰ تا ۱۹۰ ق. مبارکیه دو شاخه شدند: گروه کوچکی به ادامه امامت در میان

نوادگان محمد باور یافتند و فاطمیان خوانده شدند. (→ ادامه همین مقاله، فاطمیان) ولی بیشتر آنان با انکار مرگ محمد بن اسماعیل، در انتظار رجعت وی به منزله امام قائم و مهدی موعود باقی ماندند. از دیدگاه این گروه که بعدها به نام قرمطیان شهرت یافتند، محمد بن اسماعیل پس از امام صادق (ع) هفتمین و واپسین امام است و به همین سبب به نام سبیه یا هفت امامی نیز شهرت یافتند.^۶ آنان باور داشتند که محمد بن اسماعیل، خاتم پیامبران اولوالعزم است و چون دیگر بار ظهور کند، شریعتی تازه خواهد آورد که ناسخ شرایع پیشین و شریعت محمدی است. این گروه نام خود را از شخصی به نام حمدان قَرْمَط گرفته‌اند. حمدان قَرْمَط که نقشی برجسته در گسترش مذهب اسماعیلیه داشت، در حدود سال ۲۶۱ ق. زیر نظر رهبران فرقه، دعوت به اسماعیلیه را در نواحی کوفه و جنوب عراق آغاز نمود و پیروانی فراوان گرد آورد.^۷ مذهب اسماعیلیه به زودی به دست مبلغان حمدان قَرْمَط در جنوب ایران و یمن، بحرین، قطیف، یمامه و عمان، شبه جزیره عربستان و شمال آفریقا گسترش یافت و بعدها به سرزمین‌های مرکزی و شمال غربی ایران مانند

۱. نک: اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۲۲-۲۵.

۲. المقالات و الفرق، ص ۸۱؛ فرق الشیعه، ص ۷۱-۷۲؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۲۰.

۳. فرق الشیعه، ص ۷۱.

۴. نک: اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۵۴-۱۶۶.

۵. المقالات و الفرق، ص ۸۱؛ فرق الشیعه، ص ۶۹؛ مقالات الاسلامیین، ص ۲۷.

۶. نک: فرق الشیعه، ص ۶۷-۶۸، ۷۳؛ المقالات و الفرق، ص ۸۰-.

۸۱ مقالات الاسلامیین، ص ۲۶-۲۷.

۷. المقالات و الفرق، ص ۸۳؛ فرق الشیعه، ص ۷۱-۷۴.

را به جای خود بازگرداندند. مخالفت قرمطیان با عقاید و احکام مسلم اسلامی به گونه‌ای بود که نمی‌توان آنان را فرقه‌ای مسلمان نامید.^۳

حکومت آنان به سال ۴۶۹ق. به دست سپاه سلجوقیان از میان رفت.^۴ برخی از حاکمان، مخالفان سیاسی خود را به اتهام قرمطی بودن و طرفداری از قرمطیان، سرکوب می‌کردند و به قتل می‌رساندند. کشته شدن حَسَنک، وزیر محمود غزنوی، به سال ۴۲۲ق. از این قبیل است.^۵ (← قرمطیان)

▼ ۴. **فاطمیان:** اقلیت بر جای مانده از مبارکیه که به استمرار امامت در فرزندان محمد بن اسماعیل باور داشتند و بعدها به فاطمیان مشهور شدند، امامان را به دو دسته پنهان و آشکار قسمت می‌کنند. از دیدگاه آنان، پس از هفتمین امام ظاهر یعنی محمد بن اسماعیل، دوره امامان پنهان با امامت عبدالله (م. حدود ۲۱۲ق.) پسر بزرگ محمد بن اسماعیل آغاز گشته و تا دوران واپسین آن‌ها به نام عییدالله، ملقب به المهدی بالله (۲۵۹/۲۶۰-۳۲۲ق.) ادامه یافته است. در این دوره، امامان اسماعیلی برای رهایی از آزار و اذیت و تعقیب دشمنان، زندگی پنهان داشتند

۳. فرق الشیعه، ص ۷۲-۷۶؛ تعلیقات نقض، ج ۲، ص ۱۰۵۵-۱۰۵۶؛

آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۴. آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۰۳.

۵. تاریخ علم کلام، ص ۱۴۰.

۶. المقالات و الفرق، ص ۸۳.

ری، قم، کاشان، طالقان، هرات، گرجستان، مازندران، گرگان، آذربایجان و خراسان نیز راه یافت و شماری از امیران و حاکمان محلی نیز به آن گرویدند.^۱ قرمطیان تا پیدایش حکومت فاطمیان در اواخر سده سوم ق. تقریباً اکثر پیروان مذهب اسماعیلیه را تشکیل می‌دادند.

قرمطیان که بیشتر در عراق، بحرین، یمن و شام حضور داشتند، بارها در برابر حکومت عباسی قیام کردند. مهم‌ترین قیام آنان حدود سال ۲۸۱ق. در بحرین رخ داد. آن‌ها پس از تسلط بر بحرین، به قصد تصرف بصره، با سپاه معتضد، خلیفه عباسی، درگیر شدند و آن را شکست دادند. آنان در حدود سال ۲۸۶ق. دولتی را در بحرین بنیان نهادند که دو سده دوام یافت.^۲ به سال ۳۰۵ق. با قدرت یافتن ابوطاهر، قرمطیان توان بیشتر یافتند. ابوطاهر به سال ۳۱۷ق. با یورش به مکه در روزهای حج، به کشتار حاجیان و مردم مکه پرداخت و حجرالاسود را از کعبه کند و به بحرین برد تا نشان دهد که دوره اسلام پایان پذیرفته است. او بارها به قتل و غارت کاروان‌های حاجیان پرداخت. قرمطیان سرانجام به سال ۳۳۹ق. با دریافت مبلغی گزاف از عباسیان، حجرالاسود

۱. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۴۲-۱۴۵.

۲. الکامل، ج ۷، ص ۴۹۳، ۴۹۷-۴۹۹؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۴۱.

و هویت خویش را نهان می‌کردند. با انتقال امامت اسماعیلیه به عیدالله به سال ۲۸۶ق. دیگر بار دوران امامان ظاهر آغاز شد. تا آن هنگام، بیشتر اسماعیلیه در انتظار رجعت و ظهور قریب الوقوع محمد بن اسماعیل به عنوان مهدی موعود بودند و رهبران اسماعیلیه، خود را نایب و حجت وی به شمار می‌آوردند. به سال ۲۸۶ق. عیدالله که به رهبری مرکزی اسماعیلیه رسید، با انکار زنده بودن و مهدویت محمد بن اسماعیل، مدعی امامت برای خود و نیاکانش و استمرار آن در نسل امام صادق علیه السلام شد.^۱ با رد این ادعا از سوی حمدان قرمط که همچنان ریاست محلی دعوت را در عراق و نواحی پیرامونی بر عهده داشت، انشعابی بزرگ در اسماعیلیه پدید آمد. گروهی با پذیرش امامت عیدالله، به تداوم امامت در نسل امام صادق علیه السلام باور یافتند و بعدها فاطمیان خوانده شدند و شماری با اصرار بر امامت و مهدویت محمد بن اسماعیل و توقف بر آن، به نام قرمطیان باقی ماندند.^۲

عیدالله مهدی که پس از رسیدن به رهبری اسماعیلیه از سلیمه در شام، مرکز رهبری اسماعیلیه، به فلسطین و سپس مصر و از آنجا به مغرب رفت، توانست قدرت را به دست

۱. انعاظ الحنفاء، ج ۱، ص ۶۶-۷۲؛ ج ۳، ص ۳۴۵؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۲۷-۱۲۸، ۱۳۲-۱۳۳، ۱۴۸.
 ۲. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۵۴-۱۵۵.

گیرد و به منزله خلیفه و امیر المؤمنین به سال ۲۹۷ق. دولت فاطمیان را در مغرب بنیان نهاد.^۳ فاطمیان در دوران حکومت المعز لدین الله (۳۱۹-۳۶۵ق.) نخستین خلیفه فاطمی که از سال ۳۴۳ تا ۳۶۵ق. به درازا کشید، توانستند با تصرف مصر و شام، بر قلمروی گسترده از جهان اسلام دست یابند و تا سال ۵۶۷ق. مقتدرانه حکومت کنند.^۴ المعز لدین الله به سال ۳۶۲ق. مصر را دارالخلافه اسماعیلیان قرار داد.^۵ در دوران وی «الازهر» تأسیس شد و تا پایان حکومت فاطمیان به منزله یک دانشگاه بزرگ اسلامی، اصلی‌ترین مرکز آموزش مبلغان و عقاید اسماعیلیه بود.^۶

دوره فاطمیان، دوران طلایی مذهب اسماعیلیه بود. اندیشه و ادبیات اسماعیلی در این دوره به اوج رسید. ابو حاتم رازی، حمید الدین کرمانی و ناصر خسرو قبادیانی از متفکران و نویسندگان نامدار اسماعیلی در این دوره بودند.^۷ امپراتوری فاطمی در اوج قدرت خویش، دست کم برای مدتی کوتاه، شمال افریقا، مصر، سواحل افریقا در دریای سرخ،

۳. تاریخ الاسلام، ج ۲۲، ص ۱۳۳؛ ج ۲۴، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ انعاظ الحنفاء، ج ۱، ص ۶۰؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۶۰.
 ۴. المنتظم، ج ۱۴، ص ۱۹۷؛ الکامل، ج ۷، ص ۵۱۱-۵۱۲؛ الملل و النحل، سیحانی، ج ۸، ص ۱۲۲-۱۲۳.
 ۵. الملل و النحل، سیحانی، ج ۸، ص ۱۲۳.
 ۶. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۰۲-۲۰۳.
 ۷. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۶۹.

اسماعیل دَرَزی، به نام دَرُوزیه یا دُرُوزیه خوانده شدند.^۴ دروزی‌ها به تدریج به سبب عقاید بدعت‌آمیز خویش از چارچوب مذهب اسماعیلی یا حتی اسلام شیعی فاصله گرفتند.^۵ آن‌ها همچنان در انتظار بازگشت حاکم و حمزه به سر می‌برند. نامه‌های باقی مانده از پیشوایان دینی آنان که در مجموعه‌ای گردآوری شده و نوشته‌های مقدس دروزیه را تشکیل می‌دهد، رسائل الحکمه خوانده می‌شود.^۶ پایبند نبودن به شعائر دینی، از ویژگی‌های دروزیان است. از دیدگاه آن‌ها، پس از پنهان شدن حاکم، شریعت برداشته شد و خداوند هفت خصلت اخلاقی را جایگزین آن کرد. (لـ همین مقاله، عقاید اسماعیلیه، فقه اسماعیلیه) برخی از نویسندگان معاصر و اصلاح‌گرای دروزی کوشیده‌اند تا مبانی مذهب دروزیه را با اصول اسلامی و استدلال‌های عقلی و قرآنی تبیین نمایند و مذهب دروز را یکی از مذاهب اسلامی معرفی کنند و هر چه را که با اصول اسلام سازگار نیست، از خرافات و اضافات منسوب به اسلام بشمرند.^۷

۴. تاریخ الدعوة الاسلامیه، ص ۲۳۸؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۲۷-۲۳۲.

۵. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۲۶؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۴۰-۱۴۳.

۶. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۳۰؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۴۶.

۷. نک: اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۹۰-۳۹۷.

یمن، حجاز و از جمله شهرهای مقدس مکه و مدینه و نیز شام و فلسطین را در بر گرفت. اما فاطمیان هرگز نتوانستند در استقرار مذهب شیعه اسماعیلی در سراسر جهان اسلام توفیق یابند به اصلی‌ترین هدف خود که وحدت بخشیدن به دنیای اسلام زیر پرچم یک خلافت شیعی بود، جامه عمل بپوشانند.^۱ خلافت فاطمی پس از مرگ المستنصر در ۴۸۷ق. رو به زوال نهاد و سرانجام به سال ۵۶۷ق. پس از ۲۶۲ سال از میان رفت.^۲

۵.▼ **دُرُوزیه:** ابوعلی منصور ملقب به الحاکم بامر الله، ششمین خلیفه فاطمی که با نظام‌مند کردن دعوت و ارسال داعیان به سرزمین‌های گوناگون، نقشی مهم در گسترش اسماعیلیه داشت، پس از حدود ۲۵ سال امامت و خلافت (۳۸۵-۴۱۱ق.) به سال ۴۱۱ق. به گونه‌ای نامعلوم و اسرارآمیز درگذشت.^۳ یکی از داعیان وی به نام حمزه بن علی فارسی که مبلغ بزرگ شام بود، با انکار مرگ حاکم در انتظار رجعت وی ماند. پیروان وی با باورهای غالبانه‌ای مانند الوهیت الحاکم و پایان یافتن اعتبار شریعت، از اسماعیلیان فاطمی جدا شدند و بعدها با انتساب به یکی از داعیان این گروه به نام محمد بن

۱. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۶۹.

۲. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۹۳-۳۱۲.

۳. الکامل، ج ۹، ص ۱۱۸؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۱۷۳-۱۸۳؛ تاریخ الدعوة الاسلامیه، ص ۲۳۹.

تسامح اجتماعی در برخورد با اهل سنت و اهل کتاب، تعصب سخت مذهبی و قومی، و سکونت در سرزمین‌های مرتفع و کوهستانی، از دیگر ویژگی‌های مشهور دروزیان است. شام همواره کانون اصلی فعالیت داعیان دروزی و موطن همیشگی این مذهب بوده است. آن‌ها امروزه در استان کوهستانی جبل لبنان، دامنه‌های کوه سویدای سوریه، و بلندی‌های شمال فلسطین اشغالی سکونت دارند. جامعه دروزی دارای دو بخش است: طبقه عُقال (عاقلان) که همان دانشوران دینی و مبلغان مذهبی هستند که در رأس آنان «شیخ عقل» قرار دارد؛ و طبقه جُهال یا مردم عادی که بیشتر آنان را شکل می‌دهند. اکنون ولید جُنْبَلات رهبر سیاسی و محمد ابوشقرا، شیخ عقل جامعه دروزی هستند.^۱ رهبران دروزی معمولاً از طرفداران اسرائیل به شمار می‌روند و روابطی همگرایانه با صهیونیست‌ها دارند.^۲

▼ ۶. مستعلویه: هشتمین خلیفه و امام ظاهر فاطمیان به نام المستنصر بالله (۴۲۱-۴۸۷ق.) پس از حدود ۶۰ سال خلافت به سال ۴۸۷ق. درگذشت. در پی اختلاف بر سر جانشینی وی میان پسران او به نام‌های نزار و مستعلی، اسماعیلیان فاطمی به دو جناح رقیب و

متخاصم نزاریه و مستعلیه / مستعلویه قسمت شدند. مستعلی با حمایت وزیر مقتدر مستنصر، به جای پدر به خلافت رسید^۳ و از ۴۸۷ تا ۴۹۵ق. حکومت نمود. اسماعیلیان یمن و گجرات هند و نیز بیشتر اسماعیلیان مصر و بسیاری از آنان در شام، امامت مستعلی را پذیرفتند. ولی اسماعیلیان ایران، عراق، و گروهی از آنان در شام و برخی نواحی دیگر، با وفاداری به انتخاب المستنصر، به جانشنداری از امامت نزار، فرزند بزرگ و ولیعهد وی پرداختند.^۴ مستعلویان بعدها به دو گروه حافظیه و طیبیه قسمت شدند.

❧ ۱. حافظیه: پس از مرگ جانشین مستعلی به نام الامر باحکام الله (۴۹۰-۵۲۴ق.) و قدرت یافتن عموزاده او ملقب به الحافظ لدین الله (م. ۵۴۴ق.)، اسماعیلیان مستعلی دو دسته شدند. طیب، فرزند الامر که چند ماه پیش از مرگ پدر زاده شده بود، به سرنوشتی نامعلوم دچار شد. از این رو، الحافظ که پسر عمومی الامر بود، به عنوان ولیعهد، زمام خلافت فاطمی را بر عهده گرفت. ولی پس از چند سال خودش مدعی امامت شد.^۵ بیشتر مستعلویان در مصر و شام و گروهی در یمن

۳. اتعاض الحنفاء، ج ۲، ص ۱۸۱؛ ج ۳، ص ۱۱، ۸۷، ۱۰۸؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۵۶، ۳۰۰.

۴. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۲۹.

۵. اتعاض الحنفاء، ج ۳، ص ۱۴۶؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۰۴-۳۰۵، ۳۲۲-۳۲۳.

۱. نک: اسماعیلیه، ص ۵۳۸-۵۴۰؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۶۹-۳۸۲.

۲. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۷۰-۳۷۲.

عبداللہ المہدی (۲۸۶ق.) پایان یافت. در پی آن، یک دوره ظهور آغاز شد که تا پنهان گشتن بیست و یکمین امام طیبی، اندکی پس از وفات الامر در ۵۲۴ق. ادامه یافت. این دوره تا روزگار ما ادامه دارد تا آن گاه که امامی از نسل طیب ظهور کند که ممکن است قائم دور کنونی تاریخ بشر باشد.^۴ به سال ۹۹۹ق. طیبیان به دو شاخه «داودیه» و «سلیمانیه» منشعب شدند. بیشتر طیبیان هند، داودی و بیشتر طیبیان یمن، سلیمانی اند. داودیان امروزه حدود نیم میلیون جمعیت دارند.^۵ طیبیان هند که ۹۰٪ کل طیبی ها را شکل می دهند، «بُهره» نیز خوانده می شوند و بیشتر آن ها در مهاراشترا و گجرات ساکن هستند. حدود ۷۵۰۰۰ داودی در بیرون از هند در ۳۱ کشور پراکنده اند. پس از هندوستان، بیشترین بهره های داودی که حدود ۳۰/۰۰۰ نفر هستند، در کراچی پاکستان زندگی می کنند.^۶

طیبی های سلیمانی حدود ۵۰/۰۰۰ تا ۷۰/۰۰۰ تن جمعیت دارند و بیشتر آنان در نواحی شمال یمن و حدود چند هزار تن در هند سکونت دارند و گروه بسیار اندکی نیز مقیم پاکستان هستند. آنان برخلاف داودی ها، با مسلمانان دیگر ارتباط دارند و با اهل سنت

که امامت حافظ را پذیرفتند، «حافظیه» نام گرفتند و گروه اقلیت مستعلویمان مصر و شام و بیشتر آنان در یمن که به امامت «طیب» فرزند الامر باور یافتند، به «طیبیه» مشهور شدند.^۱ این انشعاب ها و درگیری های درونی روز به روز دولت فاطمیان را ناتوان کرد تا آن گاه که حکومت آنان به سال ۵۶۷ق. به دست صلاح الدین ایوبی برچیده شد. حافظیان مصر یک سده پس از حافظ، امامت را در نسل وی ادامه دادند؛ ولی به زودی به دست ایوبیان از میان رفتند.^۲ حافظیان شام نیز تا پایان سده ششم ق. از میان رفته و حافظیان یمن نیز اهمیت خود را از دست دادند.^۳

ب. طیبیه: دعوت طیبی را در آغاز شماری اندک از مستعلویمان مصر و شام و نیز جمعی بسیار از اسماعیلیان یمن پذیرفتند. پس از چندی، یمن و با پیوستن اسماعیلیان گجرات هند به جناح طیبی در سال ۹۷۴ق. احمد آباد گجرات به کانون دعوت طیبیه بدل شدند. اسماعیلیان طیبی در اصول عقاید، ادامه دهنده تعالیم و سنن فاطمیان بودند. آن ها تاریخ خود در دوره اسلامی را به دوره های پیاپی «ستر» و «کشف» قسمت می کنند. نخستین دوره ستر که سازگار با دوره اسماعیلیه قدیم است، با ظهور

۴. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۴۴، ۳۹۳-۳۹۴.

۵. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۴۵-۳۴۶، ۳۵۶، ۳۶۴. اسماعیلیه

از گذشته تا حال، ص ۳۰۶.

۶. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۰۶.

۱. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۰۶.

۲. نک: تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۰۶-۳۱۴.

۳. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۱۵، ۳۲۱-۳۲۲.

نیز ازدواج می‌کنند. بسیاری از آنان شرایط روز را پذیرفته و بیشتر احکام شرعی را کنار گذاشته‌اند. زنان سلیمانی از نخستین زنان مسلمان در هند بودند که حجاب را کنار نهادند. اکنون حسین بن حسن مکرمی، داعی مطلق سلیمانی‌ها است.^۱

▼ ۷. نزاریه: به گزارش برخی منابع، نزار به اسکندریه گریخت و مردم اسکندریه با وی بیعت کردند. او پس از سرکوب شورش و دستگیری به سال ۴۸۸ ق. به فرمان مستعلی به قتل رسید.^۲ شماری دیگر از رفتن وی به الموت قزوین و درگذشت وی در آن‌جا به سال ۴۹۰ ق. سخن گفته‌اند.^۳ پیروان نزار در مصر به سرعت سرکوب شدند؛ اما در شام و ایران سازمان یافتند. آنان به سرکردگی حسن صباح که کمی پیش از ستیز مستعلی و نزار به سال ۴۸۷ ق. توانسته بود در سال ۴۸۳ ق. حکومت اسماعیلیان را با مرکزیت قلعه الموت قزوین و در حیطه حکومت مقتدر سلجوقیان شکل دهد، سرزمین‌های پراکنده و گسترده‌ای را از شرق ایران تا سوریه زیر استیلای خود درآوردند.^۴ آنان به گونه مستقل از حکومت فاطمیان، دعوت خود را در نواحی گوناگون

ایران، عراق و شام گسترش دادند. در دوران یکی از جانشینان حسن صباح به نام حسن دوم (۵۳۹-۵۶۱ ق.) انقلابی در باورهای اسماعیلیه پدید آمد. او با بهره‌گیری از مفاهیم اعتقادی اسماعیلیان مانند پایان شریعت با وقوع قیامت، ظهور امامت، و برداشته شدن تکالیف شریعت در صورت رسیدن به باطن آن^۵ در ۱۷ رمضان سال ۵۵۹ ق. وقوع قیامت و آخر الزمان را اعلان کرد و اجرای احکام شریعت را از دوش پیروان خود برداشت. بدین ترتیب، روزه ماه رمضان شکسته شد و شریعت اسلام نیز باید منسوخ می‌شد.^۶ او قیامت را به منزله تجلی حقیقت در وجود امام و بهشت را به عنوان زندگی کسانی که این حقیقت را شناخته و باطن شریعت را درک کرده‌اند، تعبیر نمود. بر پایه این تأویل، دوزخ، زندگی مخالفان اسماعیلیه بود که از این حقایق عاری بود و شریعت نیز که مربوط به جهان پیش از قیامت بود، برداشته شد.^۷ این جنبش اعتراض گروهی را برانگیخت و مایه کشته شدن حسن دوم (۵۶۱ ق.) به دست یکی از معترضان شد. این شیوه تا سال ۶۰۷ ق. به مدت ۴۸ سال ادامه یافت تا آن‌گاه که

۱. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۳۵-۳۳۶.

۲. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۳. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۱۶.

۴. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۰۲؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال،

ص ۱۰۸.

۵. الملل و النحل، سبحانی، ج ۸، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۶. الملل و النحل، سبحانی، ج ۸، ص ۱۶۲-۱۶۳؛ اسماعیلیه از

گذشته تا حال، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۷. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۱۷.

می گرفتند، بعدها دچار چنددستگی شدند. در حدود سال ۷۱۰ق. بیست و هشتمین امام نزاری به نام شمس الدین محمد درگذشت. در پی اختلاف پسران وی به نام‌های مؤمن شاه (م. ۷۳۸ق.) و قاسم شاه بر سر جانشینی پدر، نزاریه به دو شاخه مؤمنیه و قاسمیه انشعاب یافتند. بعدها بیشتر اسماعیلیان مؤمنی در ایران به شیعه اثنا عشری و در افغانستان و ماوراء النهر به فرقه قاسم شاهی پیوستند. امروزه تنها گروه باقی مانده آنان در سوریه زندگی می کنند که پیرو فقه شافعی هستند. امیر محمد باقر، چهلمین و واپسین امام آنان، آخرین بار به سال ۱۲۱۰ق. با پیروان خود در شام تماس گرفت و دیگر از او خبری نشد. مؤمنیه در انتظار ظهور امام پنهان خود از میان نوادگان امیر محمد هستند.^۴

◀ ب. قاسمیه (قاسم شاهی): سلسله امامان قاسم شاهی ادامه یافت و آنان که مدتی در محلات، کرمان و اراک به سر می بردند، فعالیت‌های مذهبی خود را ادامه دادند و در دوران افشاریان (۱۱۴۸-۱۱۶۳ق.) و زندیان (۱۱۶۳-۱۱۹۳ق.) به کارهای سیاسی نیز روی آوردند. حسنعلی شاه (م. ۱۲۹۸ق.) چهل و ششمین امام قاسمیه، در دوران فتحعلی شاه قاجار (حک: ۱۲۱۲-۱۲۵۰ق.)، لقب «آقا خان»

جلال الدین حسن سوم، از نوادگان حسن دوم که در همین تاریخ به حکومت رسید، به احیای شریعت فرمان داد و به همین سبب به «نومسلمان» شهرت یافت.^۱ گویا تحقق نیافتن وعده‌های مربوط به دوره قیامت مانند غلبه مذهب اسماعیلی بر همه ادیان و فرق دینی، از میان رفتن فقر، برقراری مساوات و تکامل روحانی مؤمنان، در بازگشت از آن باور اثرگذار بود.^۲ البته این باورها بعدها دیگر بار در میان «آقاخانیه» زنده شد و عمل به احکام دین و مراسم عبادی، جایگاه خود را از دست داد.

حکومت نزاریان پس از ۱۶۶ سال، با حمله مغول به آلموت در سال ۶۵۴ق. برجیده شد و نزاریانی که از تیغ مغولان جان به در برده بودند، در بخش‌هایی از ایران، افغانستان، هند و پاکستان پراکنده شدند و دوره‌ای دیگر از پیشوایی امامان مستور این فرقه آغاز شد.^۳ نزاریان ایران بعدها به دو دسته مؤمنیه و قاسمیه قسمت شدند:

◀ ا. مؤمنیه (محمد شاهی): نزاریان ایران که پس از سقوط حکومت الموت برای استتار و حفظ جان خویش از عنوان صوفی بهره

۱. الملل و النحل، سبحانی، ج ۸، ص ۱۶۳.

۲. الملل و النحل، سبحانی، ج ۸، ص ۱۶۳-۱۶۴.

۳. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۶۹-۳۷۰، ۴۹۵: اسماعیلیه از

گذشته تا حال، ص ۱۰۸، ۱۲۱-۱۲۵.

۴. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۵۶۰، ۵۱۰-۵۶۱.

را از وی دریافت کرد. ولی به سال ۱۲۵۵ق. بر حکومت قاجار شورید و پس از شکست، به سال ۱۲۵۷ق. به افغانستان پناهنده شد که سه سال پیش انگلیس آن را اشغال کرده بود. با رفتن وی، دوران امامت شاخه قاسمیه در ایران پایان یافت. با برقراری روابط نزدیک آقا خان با امپراتوری بریتانیا، موقعیت مذهبی آنان در شبه قاره هند پا گرفت. آقا خانیان خدماتی ارزنده به دولت انگلیس ارائه کردند. به همین رو، آقا خان سوم، محمد شاه حسینی، چندین نشان و لقب افتخاری از پادشاه انگلستان گرفت. دفاع مطلق وی از سیاست‌های انگلیس در هند و تسلیم محض در برابر آن، بارها مورد انتقاد پیروان خود او نیز قرار گرفت. ۱۰۰/۰۰۰ خوجه اسماعیلی در اعتراض به این که وی بلندگوی دولت انگلیس شده است، مذهب اسماعیلیه را رها کرده، شیعه اثناعشری شدند.^۱ آقا خان سوم مخالف استقلال هند بود و در طول سال‌های مقاومت و تحریم کالاهای انگلیسی، پیروان خود را به مسالمت و وفاداری به حکومت انگلیس تشویق می کرد و بزرگ ترین مانع بر سر راه نهضت مقاومت مهاتما گاندی به شمار می رفت.^۲

نزاریان قاسمی که امروزه بیشتر به «آقا خانیه» مشهورند، با چند میلیون پیرو در

سرزمین‌های گوناگون، به ویژه شبه قاره هند، حضور دارند. بیشتر جمعیت کنونی آنان را خوجه‌های هندی شکل می دهند. حدود ۲۰/۰۰۰ تا ۳۰/۰۰۰ تن از نزاریان قاسم شاهی در ایران زندگی می کنند. بیشتر آنان در جنوب خراسان و شهرهای قائن و بیرجند و دهکده‌های پیرامون و گروهی نیز در شهرهای نیشابور، مشهد و تربت حیدریه سکونت دارند. در افغانستان و شمال پاکستان نیز شماری اندک از آنان زندگی می کنند. حدود ۱۰/۰۰۰ تن نیز ساکن لندن هستند. اسماعیلیان قاسم شاهی در ایران به آقا خانی، در افغانستان به علی اللهی، در آسیای میانه به ولایی، و در هند و پاکستان به خوجه و شمسی و نصیری مشهورند.^۳ امام فعلی آنان فردی به نام کریم شاه حسینی (زاده ۱۹۳۶م.) ملقب به آقا خان چهارم است. مادر او دختر یک لرد انگلیسی بود. وی به سال ۱۹۷۹م. مقر خود را از سویس به پاریس منتقل کرد و اکنون در همین شهر مستقر است. او به مطالعات اسلامی علاقه مند است.^۴

◀ عقاید اسماعیلیه

▼ ۱. خداشناسی: اسماعیلیان فاطمی

۳. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۴۰.

۴. تاریخ الدعوة الاسماعیلیه، ص ۴۰۳؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه،

ص ۵۹۲-۵۹۶، ۶۲۰-۶۲۳؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال،

ص ۱۲۶-۱۲۹؛ آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۹۹.

۱. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۵۴-۳۵۶.

۲. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۵۳-۳۵۶.

این موضوع در منابع اسماعیلی سخت رد شده است.^۳

دروزیان به تناسخ ویزه باور دارند. از دیدگاه آنان، ارواح انسان‌ها همه با هم و یکباره آفریده شده‌اند و بدین روی، شمار آنان همواره ثابت و معین است و با گذشت زمان، تغییر نمی‌پذیرد و هر روح پس از مرگ یک انسان در انسانی دیگر حلول می‌کند. چنین باوری رد عضو جدید در جامعه دروژی را توجیه می‌کند و فقط کسی می‌تواند دروژی باشد که از پدر و مادر دروژی زاده شده باشد.^۴

▼ ۳. نبوت و امامت: عدد هفت در نظام اعتقادی اسماعیلیان جایگاهی محوری دارد. از دیدگاه آنان، تاریخ دینی بشر هفت دوره تقریباً ۱۰۰۰ ساله دارد. هر ۷۰۰۰ سال، قیامت و هر هفت دور قیامت یعنی ۴۹۰۰۰ سال، قیام قیامت‌ها است.^۵ هر دوره با پیامبری صاحب شریعت که او را «ناطق» می‌گویند، آغاز می‌شود و به دست وصی او و هفت امام پس از وی ادامه می‌یابد و با قیام قائمی به پایان می‌رسد. وصی هر پیامبری را در اصطلاح «اساس» و امام را «مُتِم» (تکمیل‌کننده) می‌خوانند. ناطق، پیامبر مرسل، صاحب

توحید را به معنای نفی صفات از خداوند می‌دانند؛ زیرا فرض صفات برای خداوند مستلزم قدیم و ازلی بودن آن صفات و در نتیجه مایه تعدد قدما و نفی توحید است. آنان بر این اساس، همه آیات مربوط به صفات خداوند و اسمای حسنی الهی را تأویل می‌کنند.^۱

دروزیان معتقدند که خداوند با هدف نزدیک‌تر کردن خود به فهم و درک انسانی و فراهم شدن زمینه برای انس گرفتن انسان‌ها با وی، در قالب‌های گوناگون برای انسان تجلی کرده و واپسین تجلی او در شخص الحاکم، خلیفه ششم فاطمی (م. ۴۱۱ق.) صورت گرفته است. آن‌ها نیاکان او تا پشت چهارم را نیز تجلیات خدا می‌دانند.^۲

▼ ۲. معاد: اسماعیلیه معاد را روحانی محض و نه روحانی - جسمانی می‌دانند. بر پایه این دیدگاه، مردگان بدون پوست، گوشت و استخوان دنیایی و با جوهر حقیقی، یعنی روح خویش، پاداش و کیفر می‌بینند. گویا آنان حقیقت و هویت واقعی انسان را در این دنیا همان روح و جوهر باقی می‌دانند که کیفر و پاداش سرانجام به آن تعلق می‌گیرد. نسبت انکار معاد به اسماعیلیه که در آثار شماری از منتقدان دیده می‌شود، اتهامی بیش نیست و

۳. اسماعیلیه، ص ۲۰۶-۲۰۸.

۴. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۲۸۶.

۵. روضة التسليم، ص ۶۰-۶۱؛ اسماعیلیه، ص ۱۱۴.

۱. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۶۹.

۲. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۲۷۵.

شریعت و بیان‌کننده احکام ظاهری آن است و هفت امام پس از هر پیامبر، به تفسیر و تبیین شریعت او و اسرار باطنی آن می‌پردازند.^۱ واپسین امام هر دوره با ارتقا به مقام ناطق دوره بعد، شریعت ناطق پیشین را نسخ می‌کند. به پندار آنان، آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (ع) و محمد (ص) نطقای شش دوره نخست تاریخ هستند و محمد بن اسماعیل، هفتمین امام دوره ششم و تا امروز زنده است. او به عنوان مهدی و قائم در واپسین دوره از تاریخ بشر آشکار خواهد شد و با ارتقا به مقام واپسین ناطق، اسلام را نسخ کرده، بدون این که شریعتی جدید بیاورد، حقایق باطنی همه شرایع پیشین را آشکار خواهد ساخت؛ حقایقی که تاکنون به صورت ناقص و فقط برای خواص فاش شده‌اند.^۲ در این دوره، به تعالیم ظاهری شریعت نیاز نخواهد بود و بشر به دانش باطنی و معنویت حقیقی دست خواهد یافت. پایان دور هفتم، فرجام تاریخ بشر است و محمد بن اسماعیل پس از حکم کردن در میان مردم بر پایه عدالت، قیامت را بر پا خواهد کرد و از این رو، به وی «قائم قیامت» نیز گفته می‌شود. با توجه به طولانی‌تر شدن عمر دنیا،

اسماعیلیان متأخر برای سازگار ساختن عقیده خویش با واقعیت عینی و خارجی، به دوره‌های بی‌پایانی از دوره‌های هفت‌گانه باور یافتند که بر پایه آن، پس از امام هفتم دوره حضرت محمد (ص)، نه فقط هفت امام بلکه دوره‌هایی از ائمه هفت‌گانه ظهور می‌یابند. افزون بر این، موضوع مهدی و قائم بودن محمد بن اسماعیل از سوی عبیدالله المهدی، بنیان‌گذار خلافت فاطمی و خلفای پس از وی، انکار شد و عبیدالله با طرح ایده استمرار امامت، مدعی امامت برای خود و پدران خویش شد.^۳

▼ ۴. فلسفه: محمد بن احمد النسفی (م. ۳۲۲ ق.) را پایه‌گذار فلسفه اسماعیلی دانسته‌اند. او فلسفه نوافلاطونی منسوب به فلوطین (م. ۲۷۰ م.)، به ویژه مفاهیمی چون خدای ناشناختنی، تجلی و سلسله مراتب وجود را وارد اندیشه‌های اسماعیلی کرد. فلسفه نوافلاطونی به دست متفکران و داعیان برجسته دیگر مانند ابوحاتم رازی (م. ۳۲۲ ق.) و ابویعقوب سجستانی (م. ۳۸۳ ق.) گسترش یافت و صورت اسلامی شده آن، نظریه رسمی اسماعیلیه را شکل داد. در دوران المعز از خلفای فاطمی (م. ۳۶۵ ق.) جهان‌شناسی

۱. شیعه در اسلام، ص ۶۹؛ اساس التأویل، ص ۸۶.
۲. المقالات و الفرق، ص ۸۴؛ فرق الشیعه، ص ۷۲-۷۴؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۷۱-۲۷۲.

۳. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۵۲، ۲۷۱-۲۷۲؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۲۱-۱۲۲، ۲۱۹، ۲۲۷-۲۲۸.

فلسفی، جایگزین جهان‌شناسی پیشین اسماعیلیه شد. فلاسفه اسماعیلی با ایجاد پاره‌ای تغییرات در فلسفه نوافلاطونی و تطبیق بسیاری از عناوین و مفاهیم آن با مفاهیم و اصطلاحات اسلامی، کوشیدند تا آن را با آیات قرآن و عقاید اصولی خویش هماهنگ کنند. برای مثال، عقل با قلم و عرش، و نفس با لوح و کرسی تطبیق شد. بر پایه فلسفه نوافلاطونی اسماعیلی، خداوند فراتر از ادراک، وصف و استدلال عقلی و کاملاً ناشناختنی است. اسماعیلیان با این اندیشه‌های فلسفی که در آن هنگام اندیشه‌هایی نو و فراتر از تفاسیر ظاهری دینی بود، توانستند شخصیت‌ها و چهره‌های علمی و سیاسی مهم را به سوی مذهب اسماعیلیه جذب کنند.^۱ نظام فلسفی اسماعیلیان بعدها به دست داعی حمید الدین کرمانی (م. پس از ۴۱۱ق.) با اثرپذیری از ابن سینا (م. ۴۲۸ق.) تا اندازه‌ای اصلاح شد.^۲

◀ **فقه اسماعیلیه:** نظام فقهی اسماعیلیه به دست نعمان بن محمد، مشهور به قاضی نعمان (۲۹۰-۳۶۳ق.) در اوایل حکومت فاطمیان پایه‌ریزی شد. *دعائم الاسلام* از بزرگ‌ترین آثار فقهی او و اصلی‌ترین منبع فقهی اسماعیلیه است. فقه فاطمیان تفاوت محتوایی فراوانی با

فقه شیعیان دوازده امامی ندارد. عدم حجیت اجماع، استناد به برخی از منابع زیدی، و حرمت ازدواج موقت از جمله این تفاوت‌هاست.^۳ آنان حج افراد را برای غیر ساکنان مکه و حوالی آن و نیز در غیر حالت اضطرار جایز دانسته، برای کسی که نماز مغرب و عشا را پیش از رسیدن به مزدلفه و به رغم نبود هراس از فوت وقت بخواند، کفاره را واجب می‌شمارند. وقت رمی جمرات را نیز همانند اهل سنت، بعد از ظهر یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه می‌دانند.^۴

دروزیان باور دارند که خداوند در دوران حاکم، احکام شریعت را برداشت و هفت خصلت اخلاقی را جایگزین آن کرد. مثلاً به جای فریضه حج، برائت از ابالسّه قرار گرفت. آنان به پشتوانه گفته‌های دانشوران باطن، حرم را همان دعوت و بیت الله الحرام را توحید دانسته، باور دارند حجّی که در شریعت اسلام آمده، چیزی جز آن مناسکی است که پیروان دیگر مذاهب اسلامی به نام حج آن را انجام می‌دهند. دروزه به جای روزه ماه رمضان، نه روز نخست ماه ذی‌حجه را روزه می‌گیرند و عید اعظم آنان عید قربان است.^۵ تسامح در احکام دینی از ویژگی‌های دروزیان است که

۳. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۴. الاقتصار، ص ۳۹-۵۰.

۵. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۵۸۰.

۱. نک: تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۷۰-۲۸۱؛ اسماعیلیه از

گذشته تا حال، ص ۲۲۴-۲۲۸.

۲. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۸۱-۲۸۲.

در جای جای فرایض و شعائر دینی آنان دیده می‌شود. آن‌ها در وضو تفاوتی میان شستن دست‌ها از مرفق تا سرانگشتان یا به عکس نمی‌بینند. در صورت کافی بودن آب وضو، پاها را می‌شویند و گر نه، به مسح آن بسنده می‌کنند. برخی از آنان شستن صورت را مقدم می‌دانند؛ اما بیشتر به علت این که دست وسیله تطهیر دیگر اندام‌ها است، شستن آن را مقدم می‌شمرند. نماز خواندن با دست باز یا بسته، هر دو را جایز دانسته، توجه و نیت را در نماز مهم‌تر می‌شمارند.^۱

اسماعیلیان طیبی، افزون بر خمس، زکات و فطره، وجوهاتی دیگر نیز با عناوین حق النفس، سلام، صله الامام و نذر به داعی مطلق می‌پردازند.^۲ داودی‌ها مانند مسلمانان دیگر، به فرایضی مانند نماز، حج، روزه و جز آن باور دارند و مرقد مطهر پیامبر ﷺ و ائمه اطهار تا امام ششم و نیز قبور امامان و داعیان اسماعیلی را زیارت می‌کنند.^۳ در دهه اول محرم، مجالس عزاداری مفصل برای امام حسین (ع) برپا کرده، روز عاشورا را به یاد گرسنگی و تشنگی امام حسین (ع) روزه می‌گیرند و همه روز را به گریه و زاری می‌پردازند. بهره‌ها معمولاً تا ۴۰ روز پس از عاشورا مراسم عقد و

عروسی برگزار نمی‌کنند. نماز داودی‌ها همانند نماز شیعیان دوازده امامی است؛ ولی در پایان هر نماز نام ۲۱ امام ظاهر خود را تکرار می‌کنند. آنان نماز جمعه و عید فطر و قربان را ویژه امام ظاهر می‌دانند. بهره‌ها گفتن بسم الله را در صید ماهی شرط می‌دانند. از این رو، حتی ماهی صید شده به دست دیگر مسلمانان را نمی‌خورند. آن‌ها از معاشرت با دیگران و ازدواج با هندوها و پیروان دیگر فرق اسلامی خودداری می‌کنند. ایشان دعوت به کیش خود را متوقف کرده‌اند و کتاب‌های خویش را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند و به همین سبب جمعیت آنان محدود است.^۴

اسماعیلیان آقا خانی سه وعده در شب نماز می‌گذارند که اوقات آن تقریباً با نماز مغرب، عشا و فجر شباهت دارد. آنان نماز ظهر و عصر ندارند و نمازهای سه گانه شان تفاوتی فراوان با نماز دیگر مسلمانان دارد. بیشتر اذکار این نماز خطاب به امامان و به ویژه آقا خان است. عباراتی مانند لا فتی إلا علی لا سیف إلا ذوالفقار، حق یا شاه، لا إله إلا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله، ذکر اسامی پنج تن آل عبا و صلوات بر محمد و آل محمد و ذکر نام علی و آقا خان در آن فراوان است. خوجه‌های هند، نماز عید فطر و قربان را همانند شیعیان دوازده امامی به جای

۱. اسماعیلیه، ص ۵۸۲.

۲. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۱۷-۳۲۰.

۳. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۳۶۰.

۴. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۲۳۳، ۳۲۰-۳۲۱.

دین از واجبات دینی و نیز اساس دعوت باطنیه دانسته می‌شود^۶ و شریعت بی‌تأویل، بدون هرگونه ارزش قلمداد می‌گردد و فرد ناآگاه از باطن شریعت، بی‌بهره از دین و مورد بیزاری رسول خدا ﷺ خوانده می‌شود.^۷ بر پایه این باور، ظاهر آیات، عقاید و احکام شریعت دارای واقعیتهای باطنی است که به آن «حقیقت» گفته می‌شود. ظواهر هر دین با ظهور هر پیامبر ناطق، نسخ می‌شود؛ ولی باطن دین که در بر دارنده حقایق آن است، ثابت و بی‌تغییر می‌ماند. این حقایق را می‌توان از طریق تأویل یعنی استنباط باطن از ظاهر، آشکار ساخت. پیامبران، عهده‌دار تبلیغ شریعت و اوصیا (امامان) عهده‌دار تأویل و بیان حقایق باطنی آن هستند. حقایق باطنی شریعت فقط برای امام معصوم و کسانی آشکار می‌گردد که از سوی وی در سلسله مراتب دعوت قرار می‌گیرند و جز از طریق پذیرش مذهب اسماعیلیه و میثاق تقیه (فاش نکردن حقایق باطنی بر غیر اهل آن) برای کسی آشکار نمی‌شوند. این روش‌های تعبیری در سنت‌های قدیمی تر یهودی - مسیحی و نیز گنوسی نیز به چشم می‌خورد.^۸ اسماعیلیان نخست بر باطن دین تأکید داشتند. قمرطیان فقط باطن را

می‌آوردند.^۱ آقا خانی‌ها ماه رمضان را ماهی مقدس می‌دانند؛ ولی فقط روزه روز بیست و یکم آن ماه را واجب می‌شمردند. شکل روزه آنان نیز کاملاً متفاوت است؛ بدین سان که از هنگام خواب شب بیست و یکم تا ساعت ۱۲ ظهر روز بعد از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌کنند.^۲ خوجه‌ها حج بیت الله را واجب نمی‌دانند و به جای حج به زیارت آقا خان می‌روند و آن را «حج در خانه» می‌گویند. آنان اکنون در هر سال دو هفته آقا خان را زیارت می‌کنند. آقا خان بر مسند می‌نشیند و آنان صورت او را نظاره می‌کنند و دستش را می‌بوسند.^۳

◀ **تأویل و باطن‌گرایی:** باطن‌گرایی، اعتقاد به تمایز میان ظاهر و باطن دین،^۴ و تأویل آیات و حدیث‌ها و احکام و عقاید دینی به منزله یکی از وظایف اصلی امام اسماعیلی و تنها راه رسیدن به حقایق باطنی، مهم‌ترین ویژگی عمومی اسماعیلیان، به ویژه قمرطیان، است. بر همین اساس، آنان باطنیه نیز خوانده می‌شوند.^۵ در آثار نویسندگان و داعیان اسماعیلی، اعتقاد به وجود ظاهر و باطن

۱. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۵۰.

۲. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۵۰.

۳. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۳۵۱.

۴. تأویل الدعائم، ج ۱، ص ۴۷؛ تلبیس ابلیس، ص ۱۰۲؛ الملل و النحل، سبحانی، ج ۸، ص ۳۲۷؛ ج ۹، ص ۲۷۳-۲۷۴.

۵. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۲-۵۳؛ ابکار الافکار، ج ۵، ص ۶۱.

۶. نک: تأویل الدعائم، ص ۱۳، «مقدمه».

۷. نک: وجه دین، ص ۶۶؛ اسماعیلیه، ص ۲۵۳.

۸. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ اسماعیلیه، ص ۱۵.

پذیرفته، عمل به آن را مایه رستگاری و عمل به ظاهر را باعث گمراهی می‌دانستند. فاطمیان ظاهر و باطن را مکمل یکدیگر و دسترسی به حقیقت (باطن) را بدون شریعت (ظاهر) ناممکن می‌دانند.^۱ تأویلات بی‌حد و حصر برخی از فرق اسماعیلیه، به اباحه‌گری، نفی ظواهر شریعت و انکار ختم نبوت می‌انجامد.^۲ شماری از ملل و نحل نویسان آنان را فرقه‌ای نامسلمان نامیده‌اند. این موضوع از نگاه دانشوران و نویسندگان اسماعیلی پنهان نمانده و آنان به پاسخگویی به این اتهام‌ها پرداخته‌اند.^۳ انکار نمی‌توان کرد که از دید اسماعیلیه، اصالت با باطن دین است.^۴

دو کتاب *تأویل الدعائم* و *اساس التأویل* نوشته قاضی نعمان، کتاب *الافتخار* سجستانی، و وجه دین ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ق.) از مهم‌ترین منابع اسماعیلیان در زمینه تأویل احکام و عقاید دینی به شمار می‌روند. سجستانی پنج باب آخر کتاب *الافتخار* را به شرح تأویل پنج رکن اسلام اختصاص داده است. وضو پیش از نماز، به معنای نپذیرفتن امامت مدعیان دروغین آن است. آبی که برای طهارت به کار می‌رود،

۱. الملل و النحل، سبحانی، ج ۸، ص ۳۳۵-۳۳۶.

۲. شیعه در اسلام، ص ۷۰.

۳. نک: وجه دین، ص ۲۵-۲۶، ۲۸، ۲۹، ۲۸۱.

۴. نک: وجه دین، ص ۶۶ خوان الاخوان، ص ۲۸۰-۲۸۴.

نشان دهنده علمی است که شك و تردید را از ذهن و دل انسان می‌زداید. نماز به معنای ولایت اولیا و امامان و پنج نماز واجب با پنج حجر عقل، نفس، ناطق، اساس و امام تناظر دارند. تأویل زکات، راسخان در علم است؛ کسانی که باید با سلسله مراتب و با معرفی معلمانی امین برای هدایت مردم تعیین شوند. مرتبه پایین‌تر، زکات مرتبه بالاتر است. روزه یعنی مراعات سکوت و فاش نکردن اسرار نزد ناهلان. حج خانه خدا نماد شرفیابی به محضر امام است؛ زیرا امام همان خانه‌ای است که دانش خدا در آن جای دارد.^۵

از دیدگاه قاضی نعمان، فقیه مشهور فاطمی، کار افراد در صورتی پذیرفته است که ظاهر و باطن آن رعایت شوند. وی در این باره به آیات: «وَذَرُوا ظَاهِرَ الْأَثَمِ وَبَاطِنَهُ» (انعام/۶، ۱۲۰) و نیز «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ» (اعراف/۷، ۳۳) استناد می‌کند. بر این اساس، اگر کسی یکی از کارهای ظاهر یا باطن حج را به جای آورد و دیگری را رد کند، فریضه الهی را انجام نداده است.^۶

◀ **سازمان دعوت اسماعیلیه:** اصل تعلیم و دعوت، یکی از عقاید محوری بیشتر فرقه‌های اسماعیلی است. بر پایه اصل یاد شده، عقل انسان تنها با تفکر و استدلال نمی‌تواند

۵. کتاب الافتخار، باب‌های ۱۳-۱۷.

۶. تأویل الدعائم، ج ۱، ص ۱۶۷.

داعی مطلق و داعی محدود قرار دارند. داعی بلاغ جانشین داعی الدعاة و رابط میان ریاست دعوت در مرکز و ریاست دعوت در جزایر است. داعی مطلق در نبود حجت و داعی بلاغ، عامل اصلی امر دعوت است. داعی محدود دستیار اصلی داعی مطلق و در دوران نبود حجت و داعی بلاغ، عهده‌دار امور دعوت است. او نقش رابط میان پایگاه مرکزی دعوت و پایگاه‌های محلی یک جزیره را بر عهده دارد. اکنون در نظام دعوت اسماعیلیان طیبی، داعی مطلق بالاترین مقام است. واپسین مرتبه داعی، در اصطلاح «مأذون» خوانده می‌شود که دو گونه است: یکی مأذون مطلق که وظیفه‌اش سوگند عهد یا میثاق گرفتن از نوایمانان است و اکنون در نزد طیبی‌ها نایب داعی مطلق است؛ دیگری مأذون محدود که وظیفه‌اش جذب افراد و ایجاد انگیزه در آنان برای پیوستن به کیش اسماعیلی و مناظره با آنان است. به مأذون محدود، مُکاسر (شکننده حجت مخالفان) و مکالب (صیدکننده) نیز گفته می‌شود.^۲ بیشتر جامعه اسماعیلی را مؤمنان، نوایمانان یا نامزدان تشرف به آیین اسماعیلی شکل می‌دهند که مستجیب نامیده می‌شوند.^۳

◀ برخی از داعیان و دانشمندان

نامدار اسماعیلی: داعیان و دانشمندان

خدا را بشناسد؛ بلکه باید به دست معلمی مرشد تعلیم داده شود و تنها امامان اسماعیلی‌اند که می‌توانند معلمان راستین بشر باشند.^۱

در سازمان دعوت اسماعیلی، پس از ناطق، صامت (اساس) و امام، سلسله مراتب دیگری نیز در میان است که امام با آنان به دورترین پیروان خویش پیوند می‌خورد. پس از امام، مرتبه حجت قرار دارد و نسبت وی با امام مانند نسبت وصی با ناطق است. او امام قائم (محمد بن اسماعیل) را که دور از دسترس است، برای پیروانش دست یافتنی می‌کند. این نقش در دوره ستر امامان اهمیتی ویژه دارد. اساس دعوت اسماعیلی بر نظام فلکی و دوره‌های آن استوار است. هر سال به ۱۲ ماه و کره زمین به ۱۲ بخش (جزیره) قسمت و امور تبلیغی هر بخش به صورت مستقل به دست یک مبلغ و داعی عالی رتبه (حجت) سپرده می‌شود. پس از حجت، داعی الدعاة قرار دارد که زیر نظر حجت عمل می‌کند و همه داعیان نیز تحت نظارت او کار می‌کنند. انتصاب داعیان و دقت در صلاحیت آنان، رسیدگی به نگاشته‌ها و سنجش میزان دانش، و برنامه‌ریزی برای تبلیغ بر عهده داعی الدعاة است.

پس از داعی الدعاة، به ترتیب داعی بلاغ،

۱. جامع التواریخ، ص ۹؛ تاریخ جهانگشا، ج ۳، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۹۳.

۲. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۳. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۶۴.

برجسته اسماعیلی با اثرپذیری از فلسفه نو افلاطونیان، تلفیق آن با مفاهیم قرآنی و تألیف آثاری مهم در مباحث نظری و فعالیت‌های تبلیغی خویش، نقشی اساسی در تدوین جهان‌بینی و گسترش آیین اسماعیلیه ایفا کردند. از جمله این افراد، می‌توان به متفکران و داعیان ذیل اشاره کرد:

۱. ابوحاتم رازی (حدود ۲۶۰

۳۲۲ق.):^۱ ابوحاتم احمد بن حمدان رازی، اهل فشاپویه / فشافویه^۲ در نزدیکی تهران و از داعیان و متفکران برجسته اسماعیلی بود. او در دانش حدیث، زبان‌شناسی (علم اللغة)، شعر، کلام و فلسفه مهارت بسیار داشت. کتاب‌های الزینة فی کلمات الاسلامیة العربیة درباره نام‌ها و معانی آن‌ها^۳، اعلام النبوه در نقد عقل‌گرایی افراطی در رد نبوت^۴، الاصلاح در شناخت قصص قرآنی^۵ و الجامع در فقه^۶ از نگاه‌های او هستند. ابوحاتم پنجمین داعی الدعاة ری

۱. الفهرست، ص ۲۴۱؛ الاعلام، ج ۱، ص ۱۱۹؛ اسماعیلیه، ص ۳۷۳-۳۹۴؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۰۷-۳۱۰، «ابوحاتم رازی».

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۰۷، «ابوحاتم رازی».

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۰۹، «ابوحاتم رازی».

۴. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۱۰، «ابوحاتم رازی»؛ اسماعیلیه، ص ۳۹۰.

۵. الاعلام، ج ۱، ص ۱۱۹؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۱۰، «ابوحاتم رازی»؛ اسماعیلیه، ص ۳۹۳.

۶. الفهرست، ص ۲۴۱؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۱۰، «ابوحاتم رازی»؛ اسماعیلیه، ص ۳۹۴.

بود که موفق شد حکمران ری، احمد بن علی (۳۰۷-۳۱۱ق.) را به مذهب اسماعیلیه درآورد. در آن هنگام، ری از نظر دعوت، مرکز ناحیه جبال بود که اصفهان، آذربایجان، طبرستان و گرگان را در بر می‌گرفت. با تلاش‌های او، مذهب اسماعیلیه در دهه اول سده چهارم ق. در این سرزمین‌ها گسترش یافت و بسیاری از سران و امیران این مناطق به کیش اسماعیلیه گرویدند. به سال ۳۱۳ق. و در پی تصرف ری به دست سامانیان، ابوحاتم به طبرستان گریخت و گروهی از مردم گیلان و دیلمان از جمله حکمران دیلمان و فرمانده سپاه وی به نام مرداویج را به مذهب اسماعیلیه درآورد. بعدها که پیش‌بینی ابوحاتم درباره ظهور مهدی محقق نشد، مرداویج به دشمنی با اسماعیلیه پرداخت و ابوحاتم به آذربایجان گریخت و به سال ۳۲۲ق. در آن‌جا درگذشت.^۷

۲. ابوالحسن محمد بن احمد النّسفی

(۳۳۱ق.): وی فیلسوف نامدار اسماعیلی بود که فلسفه نوافلاطونی را وارد حوزه فکری اسماعیلیان کرد. او ریاست سازمان دعوت اسماعیلیه را در نیشابور بر عهده داشت. وی از آن‌جا به ماوراءالنهر رفت و موفق شد احمد

۷. اسماعیلیه و قرامطه در تاریخ، ص ۱۴۳-۱۴۵؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۴۱۲؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۰۷-۳۰۸، «ابوحاتم رازی».

متکلم و فیلسوف پرآوازه اسماعیلی و مشهور به حجة العراقین بود. او در دوران حکومت الحاکم بامر الله (۳۸۶-۴۱۱ق.) از داعیان برجسته عراق عرب و عجم بود. او توانست مقلد بن سیف، حکمران موصل، را به مذهب اسماعیلیه درآورد. مهم‌ترین کتاب فلسفی او *راحة العقل* است که به سال ۴۱۱ق. تألیف شد. نوشته‌های کرمانی، آثاری عمیق بر نوشته‌ها و کتاب‌های اعتقادی اسماعیلیه نهاد.^۳

۵. **المؤید فی الدین الشیرازی** (م. ۴۷۰ق.): او دانشمند و نویسنده برجسته فاطمی در سده پنجم ق. بود. او پس از مرگ پدرش به سال ۴۲۹ق. رهبری دعوت را در جنوب ایران بر عهده گرفت. به سال ۴۳۸ق. بر اثر فشار دانشوران اهل سنت، به قاهره رفت. به سال ۴۵۰ق. عهده‌دار سمت داعی الدعاة شد و تا پایان عمر به سال ۴۰۷ق. در این سمت ماند. داعیان یمن بیشتر از تعلیمات او اثر می‌پذیرفتند.^۴

۶. **ناصر خسرو قبادیانی** (۳۹۴-۴۸۱ق.): ناصر خسرو فیلسوف، حکیم، شاعر و حجت جزیره خراسان بود و نقشی مهم در گسترش اسماعیلیه در مازندران و خراسان داشت.^۵ *زاد المسافرین* در حکمت و فلسفه، جامع

سامانی و بسیاری از درباریان او را به مذهب اسماعیلیه درآورد. او سرانجام به دست نوح بن نصر سامانی و در میان انبوهی از اسماعیلیان کشته شد.^۱ کتاب *المحصول* وی که در تشریح عقاید اسماعیلی به کمک فلسفه نوافلاطونی نوشته شد، مایه ستیز فکری در میان بزرگان اسماعیلیه گشت و ابوحاتم کتاب *الاصلاح* را در رد آن نوشت.

۳. **ابویعقوب اسحاق بن احمد السجستانی** (۳۸۶-۳۹۳ق.): او فیلسوف، متفکر و داعی اسماعیلی بود که پس از ابوحاتم (م. ۳۲۲ق.) ریاست دعوت را در ری بر عهده گرفت. او گویا پس از قتل نسفی، مسئولیت دعوت خراسان را نیز عهده‌دار شد. وی به دست احمد بن خلف صفاری (۳۵۲-۳۹۳ق.) کشته شد. تاریخ مرگ وی به درستی روشن نیست. کتاب *الافتخار* از مشهورترین کتاب‌های سجستانی است که در زمینه عقاید نوشته شده است. کشف *المحجوب* درباره مذهب اسماعیلیه و *النیایع* به عنوان یکی از منابع مهم فلسفی و کلامی اسماعیلیه از نگاشته‌های دیگر او به شمار می‌روند.^۲

۴. **حمید الدین احمد بن عبدالله الکرمانی** (م. پس از ۴۱۱ق.): وی نویسنده،

۳. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۴۲۸-۴۲۹.

۴. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۴۳۳-۴۳۴.

۵. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۴۳.

۱. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۴۱۴.

۲. اسماعیلیه از گذشته تا حال، ص ۴۲۵-۴۲۶.

الحکمتین در مباحث فلسفی و کلامی، خوان
الاحوان و گشایش و رهایش در عقاید، وجه
دین در تأویل احکام شریعت، روشنائی نامه و
سعادت نامه با موضوع پند و اندرز و نیز سفر
نامه و دیوان شعر از آثار و نگاشته‌های او
هستند.^۱

❖ **تأویلات حج و حریم:** تأویل احکام
و مناسک حج و آیات و روایت‌های مربوط
به آن نیز مانند بسیاری دیگر از آیات و
روایت‌ها و احکام دینی، بازتابی گسترده در
منابع اسماعیلیان دارد. مهم‌ترین موارد این
تأویلات از این قرارند:

۱. **مدینه:** منابع فریقین روایتی را با
برخی تفاوت‌ها گزارش کرده‌اند که بر پایه
آن، رسول خدا ﷺ ضمن مقایسه خویش با
حضرت ابراهیم ﷺ و نیز مدینه با مکه،
محدوده‌ای ویژه از شهر مدینه را حرم خویش
خواند و از آزار، صید و قطع درختان آن پرهیز
داد.^۲ قاضی نعمان معنای باطنی مکه را دین و
دعوت ابراهیم ﷺ شمرده و مدینه را دعوت و
شریعت پیامبر گرامی ﷺ دانسته و صیدهای
مدینه را مخالفانی قلمداد کرده است که در
پی احتجاج، ادله داعیان را پذیرفته‌اند و دفاعی

ندارند و نباید با آزار آن‌ها مایه
رویگردانی‌شان از شریعت پیامبر ﷺ را فراهم
ساخت؛ بلکه باید با آنان با رفق و مدارا رفتار
کرد تا ایمان آنان کاملاً استوار و پا برجا
شود.^۳ همچنین رسول خدا ﷺ کسی را که در
مدینه بدعت نهد یا بدعت‌گذاری را در آن‌جا
پناه دهد، لعنت کرده است.^۴ معنای باطنی این
سخن آن است که اگر کسی در دین رسول
خدا ﷺ بدعتی پدید آورد یا بدعت پدید آمده
را بپذیرد، لعن پیامبر گرامی ﷺ شامل او
می‌شود. پناه دادن به بدعت‌گذار به معنای
پذیرش دیدگاه او است.^۵

۲. **مسجد نبوی:** تأویل مساجد، مبلغان و
داعیان الی الله هستند که همانند مساجد از
لحاظ فضیلت مراتب گوناگون دارند. بر همین
اساس، معنای باطنی مسجد نبوی را امام
علی ﷺ دانسته‌اند که بزرگ‌ترین داعی و
واسطه میان مردم و ایشان است. با توجه به
معنای باطنی نماز که دعوت به سوی خدا و
اطاعت است، فضیلت نماز در مسجد پیامبر ﷺ
همانند فضیلت دعوت‌گری امام علی ﷺ و
پیروی از او است که نسبت به دعوت و
اطاعت داعیان دیگر، فضیلتی بیشتر دارد؛ زیرا
وی «اساس» ائمه هدایت است. معنای باطنی

۱. اسماعیلیه، ص ۴۱۵-۴۲۲: اسماعیلیه از گذشته تا حال،
ص ۴۳۶-۴۴۰.

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۶۹؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۸؛
مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۹.

۳. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۱۵۵، ۱۹۵-۱۹۶.

۴. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۲۱.

۵. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۱۵۴.

قبر پیامبر ﷺ و زیارت آن، خود ایشان و زیارت او است. از آداب حج این است که حج گزار در آغاز به زیارت شهر مدینه رود، در کنار قبر پیامبر ﷺ دعا کند و بر وی سلام فرستد. معنای باطنی آن این است که مسلمان در آغاز باید به ظواهر شریعت پردازد و بر پایه آن دعا کند و به آن اقرار و باور ورزد. نیز غسل ورود به مدینه، پاک شدن از گناهان است.^۱

۳▼ کعبه: بر پایه روایتی، کعبه روبه روی خانه‌ای به نام بیت المعمور در آسمان قرار دارد. آدمیان بر گرد کعبه و فرشتگان بر گرد بیت المعمور طواف می‌کنند. اسماعیلیه بیت المعمور را به امام، آسمان را به جایگاه امام، و نفوس خلایق را به چیزهای زیر آسمان تأویل می‌کنند که زیر نظر و تربیت امام است.^۲ چهار رکن کعبه، نماد موسی، عیسی، محمد ﷺ و قائم آل محمد ﷺ هستند. حجر اسماعیل به شکل نیم دایره از دو طرف به دو رکن کعبه منتهی شده است. با توجه به معنای لغوی حجر یعنی منع، منتهی شدن حجر به این دو رکن به معنای ممنوع بودن پیروی از شریعت موسی و عیسی پس از بعثت پیامبر گرامی ﷺ است. بر همین اساس، بر خلاف رکن یمانی و رکن حجر الاسود، دو رکن دیگر استلام نمی‌شوند.

رکن حجر نماد پیامبر گرامی ﷺ، حجر الاسود نماد اوصیای وی و رکن یمانی نماد امام قائم است. در رکن یمانی، حجر نیست؛ زیرا امام قائم واپسین امام و صاحب قیامت است و وصی ندارد.^۳

در تأویل نماز خواندن روبه روی محراب و همسو بودن آن با خانه خدا، کعبه و مسجد الحرام را به امام به عنوان خانه دانش الهی، داعی را به محراب و مستجبان را به نماز گزاران تأویل می‌کنند. همان گونه که محراب جهت کعبه را نشان می‌دهد و به سوی آن رهنمون می‌شود، داعی نیز مستجبان را به سوی امام دعوت می‌کند. بر این پایه، اگر کسی به دیدار کعبه دست یابد، دیگر به محراب نیاز ندارد و اگر کسی به مرتبه‌ای رسد که دانش را از خود امام بگیرد، نیازمند پیروی از داعیان نیست.^۴

۴▼ حج: قرآن کریم حج تمتع را به شرط استطاعت واجب می‌خواند: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران/۹۷) و درباره به جای آوردن حج تمتع و عمره می‌فرماید: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ (بقره/۱۹۶) اسماعیلیان ذیل این آیات، فرمان خداوند به انجام حج تمتع و عمره را در باطن به معنای فرمان شناخت امام

۱. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۲. وجه دین، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۳. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۲۱۱.

۴. وجه دین، ص ۲۲۸-۲۲۹.

و حجت می‌دانند و حج و عمره را به جست‌وجو برای شناخت امام و حجت وی تأویل می‌کنند.^۱ آمدن حاجیان از سرزمین‌های گوناگون برای حج، در باطن به معنای آمدن مردم از هر سو برای بیعت با امام است.^۲

۵. زاد و راحله: برای رسیدن به کعبه، زاد و راحله لازم است. تأویل زاد، دانش؛ و تأویل راحله، حجت و داعی است. همان‌گونه که بی‌زاد و راحله نمی‌توان به کعبه رسید، امام نیز بدون دانش، حجت و داعی قابل دسترسی نیست. منازلی که حاجی در سفر به سوی مکه می‌پیماید، در باطن به معنای مراتب و مقامات علمی و عملی گوناگون است که مؤمن آن‌ها را پشت سر می‌نهد. پشت سر نهادن منازل میان راه برای رسیدن به کعبه، به معنای دست کشیدن مستجیب از مذاهب و فرقه‌های مخالف و حرکت برای رسیدن به امام (خانه دانش خدا) است.^۳

۶. میقات و احرام: ناصر خسرو میقات‌های چهارگانه را که حاجی باید در یکی از آن‌ها مُحَرَّم شود، نماد چهار حجت دانسته است که همواره با امام همراه هستند؛ همان‌گونه که برای رسیدن به کعبه، باید در یکی از میقات‌ها محرم شد و از طریق آن به

سوی مکه رفت.^۴ مردم جز از طریق یکی از آن‌ها نمی‌توانند از دانش امام بهره‌مند شوند. قاضی نعمان با اشاره به میقات‌های پنج‌گانه، معنای باطنی آن را شرایع پنج‌گانه نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (علیهم‌السلام) و محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دانسته است.^۵

هنگامی که حاجی محرم شود، باید لباس‌های دوخته را از تن درآورد؛ سرخویش را نپوشاند و با همسرش نزدیکی نکند. حرمت آمیزش با همسر، نماد عدم جواز سخن گفتن با غیر است. آن‌گاه که مؤمن به دیدار امام توفیق یابد، نباید با غیر او هم‌سخن شود.^۶ قاضی نعمان در تأویلی متفاوت، محرماتی مانند شکار کردن و روابط جنسی در حال احرام را در باطن به معنای حرمت گفت‌وگو با دیگران درباره علوم باطنی دانسته است.^۷ تأویل بدن حاجی، عقاید مؤمن؛ و کندن لباس‌های دوخته به معنای آشکار ساختن عقاید است. مؤمن آن‌گاه که به دیدار امام می‌رود، پیش از دیدار وی باید همه عقایدش را برای حجت آشکار سازد تا چیزی بر امام پوشیده نماند. استثنای عورت از برهنه شدن به این معنا است که مؤمن باید کارهایی را که

۴. وجه دین، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۵. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۱۵۸.

۶. وجه دین، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۷. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۱۸۴-۱۸۶.

۱. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۲. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۱۷۲، ۱۸۳-۱۸۴.

۳. وجه دین، ص ۲۲۹.

طواف به معنای جواز گفت و شنود درباره علوم باطنی برای داعیان و پیروان دعوت حق است.^۵

◀ منابع

آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی: رضا برنجکار، طه، ۱۳۸۸ش؛ ابکار الافکار فی اصول الدین: سیف الدین الآمری (م. ۶۲۳ق.)، قاهره، دار الکتب، ۱۴۲۳ق؛ انعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش الشیال و دیگران، المجلس الأعلى للثئون الاسلامیه؛ الارشاد: المفید (م. ۴۱۳ق.)، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ اساس التأویل: النعمان المغربی (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش عارف تامر، بیروت، دار الثقافه؛ اسماعیلیه (مجموعه مقالات): گروه مذاهب اسلامی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰ش؛ اسماعیلیه از گذشته تا حال: محمد سعید بهمن‌پور، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۷ش؛ اسماعیلیه و قرامطه در تاریخ: عارف تامر، ترجمه: زمردی، نیل، ۱۳۷۷ش؛ الاعلام: الزرکلی (م. ۱۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷م؛ الاقتصار: قاضی نعمان (م. ۳۶۳ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۶ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ تلبیس ابلیس: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد و مسعد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ الدعوة الاسلامیه: مصطفی غالب، بیروت، دار الاندلس،

ندانسته و در آغاز باطنی‌گری مرتکب شده است، از امام پوشیده دارد.^۱ غسل احرام، دو رکعت نماز و تلبیه آن، به ترتیب، به معنای پذیرش دانش بیان، اقرار به امام و حجت و اجابت دعوت راهنما برای رسیدن به امام تأویل شده است. حرمت شکار و کشتن حیوان، آمیزش، بریدن درخت، کوتاه کردن ناخن، خاراندن بدن و کشتن شپش بدین معناست که هر کس به دیدار امام دست یابد، پیمان گرفتن از کسی، سخن گفتن با دیگری، احتجاج کردن با مخالفان، بیزاری جستن از خویشاوندان، داوری کردن با کسی درباره «ولی» خود و مقهور ساختن دیگری با مناظره بر وی حرام هستند.^۲

▼ ۷. طواف و نماز آن: معنای باطنی

طواف، ارتباط با امام و پناه بردن به او؛ و تأویل وضو و طهارت در هنگام طواف، پاکی از گناهان است. کسی که شایستگی ارتباط با امام زمان خود را می‌یابد، باید از هرگونه عیب و آلودگی مبرا باشد.^۳ هفت دور طواف پیرامون کعبه به معنای اقرار به هفت ناطق و هفت امامی است که در دوره میان دو ناطق می‌آیند.^۴ خواندن دعا و تلاوت قرآن در حال

۱. وجه دین، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۲. وجه دین، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۳. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۴. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۲۱۹.

۵. تأویل الدعائم، ج ۳، ص ۲۲۲.

۱۹۶۵م؛ تاریخ الفرق الاسلامیه: محمد خلیل الزین، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۵ق؛ تاریخ جهانگشا: علاء الدین عطاملک جوینی (م. ۶۸۱ق.)، به کوشش قزوینی و موسویان، تهران، دستان، ۱۳۸۵ش؛ تاریخ علم کلام در ایران و جهان: علی اصغر حلبی، اساطیر، ۱۳۷۶ش؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه: فرهاد دقتری، ترجمه: بدره‌ای، سهند، ۱۳۷۵ش؛ تأویل الدعائم: قاضی نعمان (م. ۳۶۳ق.)، قاهره، دار المعارف؛ التعریف بما أنست الهجرة: محمد بن احمد المطری (م. ۷۴۱ق.)، به کوشش الرحیلی، ریاض، دار الملك عبدالعزيز، ۱۴۲۶ق؛ تعلیقات نقض: جلال الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش؛ جامع التواریخ اسماعیلیان: رشیدالدین فضل‌الله همدانی (م. ۷۱۸ق.)، به کوشش روشن، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۷ش؛ خوان الاخوان: ناصر خسرو (م. ۴۸۱ق.)، به کوشش علی اکبر قویم، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴ش؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ دعائم الاسلام: النعمان المغربي (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ق؛ رجال کشی (اختیار معرفة الرجال): الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش میرداماد و رجایی، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ق؛ روضة التسليم: طوسی (م. ۶۷۲ق.)، به کوشش ولادیمیر ایوانف، آفتاب، ۱۳۶۳ش؛ سر السلسلة العلویه: ابونصر البخاری (م. قرن ۴ق.)، به کوشش بحر العلوم، الرضی، ۱۴۱۳ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۳ق؛ شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار (ع): النعمان المغربي (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش جلالی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق؛ شیعه در اسلام: قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۰ق؛ صحیح البخاری:

البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ عمدة الطالب: ابن عنبه (م. ۸۲۸ق.)، به کوشش آل الطالقانی، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ فرق الشیعه: النوبختی (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۴ق؛ فرهنگ فرق اسلامی: محمد جواد مشکور، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش؛ الفصول العشرة: مفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق؛ الفصول المختاره: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، به کوشش جعفریان و دیگران، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ الفهرست: ابن النديم (م. ۴۳۸ق.)، به کوشش تجدد؛ کتاب الافتخار: اسحاق بن احمد السجستانی (م. قرن ۴ق.)، به کوشش اسماعیل قربان، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۰م؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ کمال الدین: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق؛ اللباب فی تهذیب الانساب: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش عبداللطیف، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ المجدی فی انساب الطالبیین: علی بن محمد العلوی (م. ۷۰۹ق.)، به کوشش المهدوی، قم، مكتبة النجفی، ۱۴۰۹ق؛ المدينة المنورة فی رحلة العیاشی: سامی الصقار، کویت، دار الارقم؛ مستدرک الوسائل: النوری (م. ۱۳۲۰ق.)، بیروت، آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ مقالات الاسلامیین: ابوالحسن الاشعری (م. ۳۲۴ق.)، به کوشش هلموت ریتز، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ المقالات و الفرق: سعد بن عبدالله الاشعری (م. ۳۱۰ق.)، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ش؛ الملل و النحل: سبحانی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق؛ الملل و النحل: الشهرستانی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش بدران، قم، الرضی،

گشت و همان جا بزرگ شد^۷ و دانا و سخنور قوم خود بود. او در کهانت و نیرنگ‌بازی نیز دستی داشت و با کردار، سخنان و کارهای شگفت‌انگیزش مردم را به سوی خود جذب می‌کرد.^۸ اعشی، شاعر بزرگ جاهلی، او را در قصیده‌ای ستود و از وی جایزه‌ای بسیار گرانبها ستاند.^۹ هیچ گزارشی از اسلام آوردن وی در منابع تاریخی نیامده؛ اما برخی از ارتداد او سخن رانده‌اند.^{۱۰} بلاذری آن‌گاه که از اعزام جریر بن عبدالله بجلی در سال ۱۱۱ ق. به فرمان پیامبر ﷺ به سوی اسود با هدف دعوت او به اسلام خبر می‌دهد، به عدم پذیرش اسلام از سوی اسود اشاره دارد.^{۱۱}

اسود که نبوت را با نگاهی دنیایی، وسیله‌ای برای کسب قدرت و احیای حکومت از دست رفته نیاکان خود می‌پنداشت، در اواخر زندگانی رسول خدا، با آگاهی از گسترش دعوت و حکومت پیامبر ﷺ در شبه جزیره، ادعای پیغمبری کرد و خود را «رحمان یمن»^{۱۲} نامید. او اعلان کرد که دو فرشته به نام‌های

۱۳۶۴ ش؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق؛ وجه دین: ناصر خسرو، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ ش.

علی اسدی



اَسود غَنسی: از نخستین مدعیان دروغین نبوت در عصر پیامبر ﷺ

عَبْهَلَة بن کعب بن عوف^۱ / غوث^۲ از تیره بنی غنس و از زیرشاخه‌های قبیله یمنی مَذْحِج بود. ذوالخمار به معنای صاحب الاغ تعلیم یافته؛ و ذوالخمار به معنای کسی که همیشه سر و صورتش را می‌پوشاند، به عنوان القاب^۳ او یاد شده است. وی از بزرگان یمن و در زمره بازماندگان خاندان شاهی^۴ عبا هله بود که نسبشان به حمیر می‌رسید.^۵ وی میان مردم نجران، به ویژه مَذْحِج، نفوذ بسیار داشت.^۶ وی در کَهَف (غار) خُبَّان نزدیک نجران، زاده

۱. فتوح البلدان، ص ۱۱۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۴؛ جمهرة انساب العرب، ص ۴۰۵.
۲. جمهرة انساب العرب، ص ۴۰۵.
۳. فتوح البلدان، ص ۱۱۳؛ فتح الباری، ج ۸، ص ۷۲-۷۳؛ ج ۱۲، ص ۳۶۹؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۲۶۶.
۴. روض الجنان، ج ۷، ص ۲.
۵. کتاب الحيوان، ج ۱، ص ۶۶؛ ج ۷، ص ۶۱.
۶. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۳۰، ۴۶۰؛ المفصل، ج ۴، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۷. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۴؛ تاریخ دمشق، ج ۴۹، ص ۴۸۳.
۸. فتوح البلدان، ص ۱۱۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۴؛ التنبيه و الاشراف، ص ۲۵۵.
۹. الاغانی، ج ۹، ص ۱۴۱.
۱۰. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۴، ۲۵۳؛ البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۵۴.
۱۱. فتوح البلدان، ص ۱۱۳؛ تاریخ دمشق، ج ۴۹، ص ۴۸۳.
۱۲. فتوح البلدان، ص ۱۱۳.